

در حاشیه تعیین جایزه برای
شکار سربازان آمریکایی



کارتون: محمد علی رحیمی

راهکارهای
زندماندن در خانه
خانه داری

کمیک / صفحه ۸

اخلاقی ترین
کودک کشی دنیا!

گیر کتی / صفحه ۵

نیروگاه
سلف سرویسی!

میشه ایچور بره؟! / صفحه ۲



نیروگاه سلف سرویسی!



همین چند روز پیش: وزیر محترم نیرورسم اعلام کرد هر صنعتی که برق تضمینی، شیک و بدون قطعی و افت ولتاژ می خواهد، می تواند از ظرفیت عظیم نیروگاه ها استفاده کند؛ فقط یک شرط کوچک دارد و باید سوخت نیروگاه را خودش تأمین کند! دقیقاً مثل این است که اسنپ لاکچری بگیرد و راننده زنگ بزند و بگوید: اگه کارت سوخت شخصی خودت رو که هنوز داخلش بنزین ۱۵۰۰ تومنی داره، بهم بدی، می آم دنبالت، وگرنه سفرت رو لغو می کنم و افتخار هم سفرشدن با من رو از دست می دی!

آبان: در اولین فاز اجرای این طرح، مدیر پرتلاش یک کارخانه جلو در ورودی نیروگاه ترمز می زند، در باک خودرورش را باز می کند و سعی می کند با یک شیلنگ کولر از باک بنزین بکشد و داخل یک چهارلیتری بریزد تا به عنوان «سوخت ویژه نیروگاهی» تحویل دهد. نگهبان تیزبین نیروگاه می گوید: اون ماشینای قدیم بود مدیرجان که می شد شیلنگ بندازی و از توی باکش بنزین بکشی! این جدیداً توری ضدسرقت دارن، نمی شه! در این حین، مدیر مظلوم کارخانه که حسابی نگران توقف خط تولید و عقب افتادن چک های سررسید خرید مواد اولیه است، صندوق عقب را بالا می زند و لاستیک زاپاس را برمی دارد و می گوید حداقل این رو به عنوان سوخت نیروگاه پسوزونین، ۱۰ کیلووات برق بخورونمیر به کارخونه ما بدین! نگهبان کارخانه سری از روی تأسف تکان می دهد و می گوید: «اینکه به هیچ جاش نمی رسه! نه برق درست و حسابی تولید می کنه، نه دود درست و حسابی ازش درمی آد!

آذر: گزارش ها حاکی است در محوطه بیشتر کارخانه ها، شبانه روزی دارند چاه آب را عمیق تر حفر می کنند؛ نه برای قطره ای آب، بلکه به امید اینکه اتفاقی مته شان به یک رگه نفت سنگین یا مازوت غلیظ برخورد کند و چیزمیزی داشته باشند که به نیروگاه بدهند تا برقرشان قطع نشود. الهی خدا هیچ مدیر و کارخانه ای را شرمند نه نیروگاه سیکل ترکیبی و مدیرعاملش نکند!

دی: متأسفانه چون نه نفت درست و حسابی پیدا شد، نه مازوت با کیفیت و نه مدرک تحصیلی هاگرمای لازم برای تولید برق راداشت، وزیر نیرو در ادامه سبک مدیریتی خلاقانه خود، طرح ملی «انرژی سبز انسانی» را کلید زد. طبق این طرح، کارگران در کارخانه کار می کنند و سهام داران کارخانه موظف اند به نیروگاه برون تاروی دو چرخه های ثابت با پدال زدن، برق مجانی برای کارخانه تولید کنند! مدیرعامل که می بیند سهام داران با بی انگیزگی رکاب می زنند، با شلاق چرمی بالای سرشان می ایستد و با فریاد می گوید: تندتر پدال بزنین تنبلا، تندتر! خط تولید حساس کیک اسفنجی دولایه چهل گرمی با طعم کاکائو خوابیده، چون برق نداریم، پدال بزنین!

حذف پفک ۳۰۰ هزار تومانی!

- سلام خبرنگار!
- سلام سخنگوی دولت!
- مژده! مژده! بشتاب! بشتاب! گوش شیطان کر! بی حرف پیش! احتمالاً می خوایم مبلغ کالابرگ رو ۳۰۰ هزار تومن افزایش بدیم خبرنگار!
- ۳۰۰ هزار تومن که واسه خرید یک پفک هم کافی نیست سخنگوی دولت!
- اعتبار کالابرگ برای خرید پفک هزینه نمی شه خبرنگار!
- پس کالابرگ واسه چیه سخنگوی دولت؟!
- برای خرید کالاهای اساسی صرف می شه خبرنگار!
- کالاهای اساسی کدوما هستن سخنگوی دولت؟!
- مثلاً گوشت و مرغ و روغن و برنج خبرنگار!
- با اون ۳۰۰ هزار تومن افزایش که نمی شه گوشت و مرغ و روغن و برنج خرید سخنگوی دولت!
- پس چی می شه گرفت خبرنگار؟!
- فقط می شه یک پفک خرید سخنگوی دولت!
- آها! افتادی توی تله! دیدی مچت رو گرفتیم خبرنگار! تو که اول گفتی با ۳۰۰ هزار تومن یک پفک هم نمی شه خرید، ولی الان از دهن خودت دراومد که با ۳۰۰ هزار تومن می شه یک پفک خرید!
- خب شما که گفتی اعتبار کالابرگ واسه خرید پفک نیست سخنگوی دولت!
- پس واسه چیه خبرنگار!
- مثلاً گوشت و مرغ و روغن و برنج سخنگوی دولت!
- با ۳۰۰ هزار تومن که گوشت و مرغ و روغن و برنج نمی شه خرید خبرنگار!
- پس چی می شه گرفت سخنگوی دولت!
- می شه یک پفک خرید خبرنگار!
- احساس می کنم با هم قاطی شدیم سخنگوی دولت!
- همه ش تقصیر اون پفکه خبرنگار!
- شما برای حل معضل پفک چه راهکاری دارین سخنگوی دولت؟!
- بهترین راه برای گذر از این بحران اینه که قیمت پفک به بیش از ۳۰۰ هزار تومن افزایش پیدا کنه تا با ۳۰۰ هزار تومن افزایش اعتبار کالابرگ، پفک هم نشه خرید و مشکل حل بشه خبرنگار!
- جیغ و سوت و دست و هورا سخنگوی دولت! مرسی که هستی! تقدیر از این تدبیر!
- نشان دادن قلب با دست!



کُخ تو رُخ



جلسه علنی و بیناری مجلس



۱ به به! هزار ماشالا! چه بزرگ شدی! مگه چند وقته ندیدیمت یلا؟

۲ چیزی نمونه به سال شه که مجازی ایم رئیس.

سؤال از وزیر راه (خاتم صادق) در جلسه علنی و بیناری مجلس



وزیر اقتصاد، به احترام بزرگ و کوچیکی می خوام نوبت استیضاحم رو بدم به شما مهندس، شما اول بفرمایین.

وزیر صمت، قربونتون برم، اتفاقاً من هم گفتیم خانوما مقدمین، نوبتم رو دادم به خانم دکتر صادق!

وزیر راه، ای بابا! من که از روز اول اینجا جلوی صف استیضاح هستم

جشنواره ملی سرباز ایرانی



۲ به بنده خدای فوتبالیسته، ظاهراً مشکل اعصاب و روانش به قدری حاد و خطرناکه که حتی سربازی نمی تونه بیاد، فقط می تونه توی دروازه واسه توپ جمع کنه.

۱ اون جای کیه کنارت خالیه؟ غایبه؟

قوچ کوهی ایران در ارتفاعات استان فارس



هوووی؟ چته؟ می گم کاریت ندارم، فقط می خوام بشمرم ببینم تک سمی یا جفت سم، همین.

به جان عزیزت جفت سم، ول می کنی یا نه؟ بوفالو و تک سمیان بس نشد، اومدین پی ما؟ اصلاً کارد بخوره به اون شکم، شما مگه جقدر گوشت می خورین؟



مهدی محمدی

تاجی که تاج روی سر فوتبال ما گذاشت!

بیجا و نداشتن صبر ایوب و عمر نوح خود ماست!

ویژه‌ترین اشان‌تینون هفته: یکی از شرکت‌های عرضه‌کننده خودروهای وارداتی، در شرایط فروش چند مدل، هزینه‌بزی یک سال خودرو را هم به عنوان «پاداش ویژه خدمات فروش» می‌پردازد! وقتی هم به فهرست قیمت خودروهایشان نگاه می‌کنید، می‌بینید حتی خودرویی با قیمت ۱۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان هم چشم‌نوازی می‌کند. یعنی اعضای بخش بازاریابی این شرکت نشسته‌اند، جلسه تشکیل داده‌اند و با خودشان گفته‌اند: «احتمالاً مشتری دودل است که ۱۱ میلیارد تومان ناقابل را بدهد یا نه، حالا چه کار کنیم؟ بله! اعلام می‌کنیم یک سال پول بزمینش با ما!» و به این ترتیب، مشتری ۱۱ میلیاردی که تا دیروز دوبه‌شک بود، بدون یک لحظه درنگ، شتابان به سمت نمایندگی می‌رود و ماشین جدید را روی هوا می‌قاپد!

معلممان را فقط از طریق پیام‌رسان شاد و پشت صفحه گوشی می‌دیدیم!

لایق‌ترین رئیس فدراسیون هفته: پس از شکست‌های سنگین و حذف زود هنگام تیم ملی امید از مسابقات آسیایی، مهدی تاج، رئیس همیشه پراستاد به نفس فدراسیون فوتبال، با خیال راحت آب پاکی را روی دست همه ریخت و فرمود: «هدف ما از این تورنمنت، آماده‌سازی برای المپیک ۲۰۲۸ بود!» خب معلوم است، اگر افاق دید آقای تاج هم مثل ما مردم کوتاه‌برد بود، الان از فرط عذاب وجدان و این حذف شیک و مجلسی، زانوی غم به بغل می‌گرفت و تا الان هم به علت نتایج تیم‌های ملی صدار استعفا کرده بود! اما وقتی کسی در قامت ریاست فوتبال نفس می‌کشد، این باخت‌های سنگین فقط «گام‌های استوار به سوی آینده» محسوب می‌شوند. اگر تا آخر عمرمان رنگ جام و پیروزی را نبینیم، مقصر اصلی فقط «دید کوتاه و توقعات

باتجربه‌ترین نسل هفته: شهرداری تهران اعلام کرد در حال طراحی برنامه‌ای است تا سالمندان وارد مدارس شوند و در قالبی به نام «زنگ خرد و تجربه» با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنند، به این امید که تجربیات نسل قدیم به نسل جدید منتقل شود. البته هنوز دقیقاً مشخص نیست کدام تجربیات قرار است منتقل شود و چطور! مثلاً اگر سالمندی بخواهد از گرانی بگوید و با آه و حسرت تعریف کند: «یادش به خیر، زمان ما قیمت فلان چیز فلان ریال بود...» دانش‌آموزان فوری می‌گویند: «اینکه چیزی نیست بابا بزرگ! همین یک پنجاه گرمی که دو هفته پیش ۴۰ هزار تومان می‌خریدیم، دو روز پیش خریدیم ۸۰ هزار تومان، امروز هم شده ۱۰۰ هزار تومان!» یا اگر از خاطرات برفی بگوید که: «یک بار آن قدر برف آمد که سه روز تمام مدارس تعطیل شد...» نسل جدید پوزخندی می‌زند و پاسخ می‌دهد: «اینکه چیزی نیست! یک بار هوا آن قدر آلوده و سمی بود که سه هفته چهره دوست داشتنی



امیرحسین پنجه‌باشی

سُرسُر

مخیرالشعرا

لته

در حاشیه خروج سران ۷۷ کشور هنگام سخنرانی نتانیاهو در سازمان ملل



**یک نمایش ناامیدکننده دیگر از تیم ملی؛
«۸۸ بازی متفاوت» هم باختیم!
(اخبار فوری)**

«عمری ست که می‌بازم و یک برد ندارم»
از کل جهان باختن اکنون شده کارم!
عشق است مرا تاج و همین ساعت زیبا
پس غصه ندارم، خر خود را که سوارم!

**سه ماه سفر رفته، سه هوس سرم آمده.
(هفت صبح)**

نیست شوهر، هست بدتر از عدو
خنجر را کرد در قلبم فرو
گر که می‌رفتم سفر یک سال، من
داشتم حتماً دو جین الان هوو!

**رستم ز فعلی کارگر فقط کفاف
هزینه‌های ۱۰ روز را می‌دهد. (مردم سالاری)**

می‌روم تا یک کناری کز کنم
از خجالت روی خود قرمز کنم
می‌کشد ۱۰ روز تنها این حقوق
باقی اش را هم قفوسنتز کنم!

تسلیم کالابرگ در برابر تورم (ابتکار)

تورم، غول وحشتناک و نامرد
کی می‌دونه که با ما چه ها کرد؟
تورم اومد و همراه با اون
خزون شد، برگ کالابرگ شد زرد!

**سیب زمینی تنظیم بازاری رسید
(ایران جیب)**

الای سیب زمینی پشندی
کی گفته بی‌رگی و خود پسندی؟
میون این تورم، این گرونی
فقط تنها تو فکر مستمندی

خاطرات یک ناخرای گیر افتاده پشت دروازه تنگه هرمز

گیراق (۱)

فارسا فیروزهر

نیازی به یادآوری نیست که مدتی است تنگه هرمز مهم ترین نقطه جهان شده است و حتما خبرهایش را پیگیری می کنید. از یک طرف ترامپ ادعا می کند خودش تنگه را بسته است و از یک طرف ما می دانیم که زر می زند و خودمان تنگه را بسته ایم. برای همین روزنوشت های یک ناخدای مستقر در تنگه را با هم مرور می کنیم تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

پنجه

۱۱ مهر ۱۴۰۵ / شماره ۱۸۳

۴

ذکر خیر عمه ترامپ

امروز توی ماهواره دیدم ترامپ گفته تنگه هرمز بازه. به بچه ها گفتم بادبان ها رو بکشین و سریع بریم که رد بشیم. گازش رو گرفتیم و رسیدیم دم در تنگه. دیدیم بسته ست. از درونش پرسیدیم جریان چیه؟ گفت ایران هنوز اجازه نداده تنگه باز بشه. گفتیم پس این یارو ترامپ چی گفت؟ پوزخند زد و گفت برای خودش و عمه ش گفته. کی فکرش رو می کرد یه زمانی توی خلیج فارس ذکر خیر عمه رئیس جمهور آمریکا بشه؟ دنده عقب گرفتیم و برگشتیم پارکینگ، لنگر رو انداختیم.

ضایعات تنگه هرمز

پسر صبح جمعه خواب بودیم که با سروصدای شدیدی از جا پریدیم. بچه ها هول شدن و آژیر آماده باش زدن. بعد که به خودمون اومدیم، دیدیم یک لنج کنار ناو مانگه داشته و توی بلندگو یه چیزایی می گه. به مترجم گفتم ترجمه کن. متأسفانه نتونست و نفهمید طرف چی می گه. با ادا و اشاره بهش فهموندیم که چی می گه؟ یکهو لحنش عوض شد و گفت ضایعاتیه و دنبال آهن قراضه، آلومینیوم، رویی کهنه، پلاستیک، لاک، آب گرم کن، بخاری، ناو سوراخ، زهپاد اورا قی و... است. گفتیم برو خدا روزی ت رو جای دیگه بده، کله سحر جمعه.

سواری در خلیج فارس

بچه ها خسته شده بودن از اینکه چند وقته بیکار نشستن. حالا خوبه بار ما خراب شدن نیست. یه عده از همکارا بارهای تاریخ مصرف دار زدن و برای همین استرسی شدن از بسته بودن تنگه هرمز. گفتیم یه حرکتی بزنیم که بچه ها هم تحرک داشته باشن و حوصله خودمون هم سر نره. قرار شد مسابقات شیرجه برگزار کنیم. هنوز چند دقیقه از شروع بازی نگذشته بود که دیدیم یک سواری از دور به کشتی ما نزدیک می شه. اول ترسیدیم نکنه قایق نظامی باشه! بعد گفتیم شاید کوسه سریع السیر نسل جدید باشه. ولی نزدیک که شد، دیدیم چند جوون ایرانی هستن که سوار بر نهنگ، خیلی شاد مشغول دریانوردی بودن. آدم از کار این ایرانی ها سردر نمی آره.

گل برای گل

باز ترامپ گفت تنگه بازه. دوباره نزدیک بود گول بخوریم و موتور رو روشن کنیم، ولی خوب شد قبلش استعلام کردیم. گفتن نه بابا، بسته ست. نمی دونیم چرا جرت می گه. شاید هم منظورش یه تنگه دیگه ست. اصلاً شاید نمی دونه تنگه هرمز کجاست و فکر می کنه یه رودخونه توی نیویورکه. به هر حال هنوز تنگه هرمز بسته ست و تنگه ترامپ بازه! بچه ها داشتن کف عرشه رو طی می کشیدن و زنجیرای لنگر رو برق می نداختن و سوراخای بادبانا رو روفو می کردن، دیدیم یک قایق موتوری اومد. دست فروش بود. می گفت کنگر تازه داره، برای اونایی که لنگر انداختن. از وقتی اینجا پارک کردیم، صد مدل مزاحم و سنجی و شیشه پاک کن و فال گیر و گدا و فروشنده آدامس و گل فروش و گل فروش (دو مدل گل داریم) و اینا اومده بودن، ولی کنگر فروش تازه بود.

آقا غلط کردیم، باز این بریم

چندین روزه اینجا گیر افتادیم. نه راه پس داریم و نه راه پیش. هی ترامپ می گه تنگه بازه و می ریم جلو، ولی می بینیم بسته ست و برمی گردیم عقب. ما هیچی، می ترسیم آخرش تنگه هرز بشه این قدر که باز و بسته می شه. حالا خوبه بار ما خراب شدن نیست. طفلی اون کشتیایی که نگران کیک زدن و بوگرفتن و خشک شدن و زنگ زدن و... بارشون هم هستن. با مسئولای کشورمون تماس گرفتیم و در آخر قرار شد یک نامه به نهاد مدیریت عبور و مرور تنگه هرمز بزنیم و بخوایم که راه ما رو باز کنن. منتظریم که پاسخش بیاد. کاش بذارن فقط ما بریم... والا غلط کردیم.

داداش من دارم خواب می بینم یا بیدارم؟ تنگه هرمز باز شد؟ بالاخره سوخت ارزون می شه؟

کشتی داره پرواز می کنه! خودت چی فکر می کنی؟ خوابی یا بیداری

کارتون: شهرام شیرزادی

به این قانون ساده فیزیک پی نبرده اند که برای جاشدن یک ماده در یک محفظه، ابتدا باید محتوای قبلی تخلیه شود؛ در نتیجه از دو جهت مخالف به یکدیگر فشار وارد می کنند. پیشنهاد می دهیم به این پدیده نادر، هم جوشی هسته ای انسانی گفته شود!

بر اساس گزارش های ما، مهم ترین انگیزه این خشونت بدوی، اشغال قطعه هایی ابرمانند به نام «صندلی» است. گویی هرکس زودتر نشیمنگاه خود را روی این اسفنج ها قرار دهد، تا پایان عمر از هرگونه رنج بشری معاف خواهد شد. سرعت عمل برخی از این زمینی ها برای شیرجه زدن به سمت صندلی های خالی به حدی بالاست که رکورد پرش طول در کپکشان ما را جابه جا کرده است. اما بخش بسیار تماشایی ماجرا زمانی رخ می دهد که موجوداتی ضعیف تر، مانند سال خوردگان در آستانه

از: تیم تحقیقاتی زمین

به: فرمانده عزیز سیاره زتا در کپکشان راه شیری

طبق تازه ترین مشاهدات میدانی ما، گونه دویای این سیاره، هنگام مواجهه با سازه های فلزی بزرگ و متحرکی به نام «اتوبوس»، دچار یک اختلال شدید مغزی و فروپاشی کامل استانداردهای رفتاری می شوند. این وسیله نقلیه برای انتقال دسته جمعی طراحی شده، اما در عمل شبیه به یک میدان آزمون بقا در جوامع بشری عمل می کند. به محض نزدیک شدن اتوبوس به سکوی انتظار، نوعی شوک آدرنالین به جمعیت وارد می شود که مغز آن ها را روی حالت «حمله همه جانبه» قفل می کند. مسافران داخل اتوبوس که قصد خروج دارند، با دیواری نفوذناپذیر از مسافران منتظر در بیرون مواجه می شوند. برخی از این زمینی ها هنوز

فرهنگ شهروندی

فرزانه زینلی

گزارش طبقه بندی شده شماره ۸۹-زتا

عملیات نجات!



اخلاقی تربی کودک کشی دنیا!

گپ (۳)

عابد مهر

نخست وزیر اسرائیل گفته است ما اخلاقی ترین ارتش دنیا را داریم. بنیامین نتانیاهو، ملقب به بی بی که آبروی همه بی بی های دنیا را برده، این سخنان مشعشع را در سازمان ملل گفته است. متأسفانه خبری از عکس العمل حضار به این حرف در دست نیست. نمی دانیم چند نفر از خنده غش کرده یا از شدت تعجب پس افتاده یا از فرط عصبانیت خورشان به جوش آمده است. برای راستی آزمایی این سخن، با چند ارتشی و شهروند اسرائیلی صحبت کردیم تا بفهمیم چی به چی است.

مرد سر باز، شل و ول

معلومه که ما اخلاقی هستیم. همه جا اول هشدار می دن، بعد فرصت تخلیه می دن، بعد می زنن، ولی ما یکم خلافتانه تر عمل می کنیم، اول می زنیم، بعد فرصت تخلیه می دیم، آخر سر هشدار می دیم! بنابراین هیچ وقت سرزده خونه ای رو اشغال نمی کنیم. به هر خونه ای که می خوایم وارد بشیم، اول صدا می زنیم تا باخبر بشن. گاهی صدا نمی زنیم، ولی به صدایی درمی آریم. مثلاً رگباری می زنیم یا موشک می اندازیم یا جنگنده از ارتفاع کم رد می شه تا متوجه بشن که ما اومدیم.

زن، فرمانده، خشن

شما به قیافه من و سربازام نگاه کن... به این قیافه های معصوم می آد که اخلاق رو رعایت نکنیم؟ بذار برات یه مثال بزنم، تازه و داغ داغه. چند روز پیش توی یک عملیات، خبر داده بودن که یه تروریست قصد داشته به شهروندای مظلوم اسرائیلی حمله کنه. خب معلومه که این کار غیر اخلاقیه. ما هم فوری وارد عمل شدیم تا جلو این بی اخلاقیا رو بگیریم. رفتیم طرف رو پیدا کردیم و همون جا کارش رو تموم کردیم. بعد بی سیم زدن که اشتباه شده و آمارمون غلط بوده. خب ما ناراحت شدیم. چون طرف زن و بچه داشت و اونا هم خیلی ناراحت شده بودن و تنها مونده بودن. برای همین کار اونا رو هم تموم کردیم تا بیشتر از این از نبود باباشون غصه نخورن. این اگه اخلاقی نیست، چیه؟

پپر مرد شهروند بی اعصاب

کی گفته ما بی اخلاقیم؟ ها؟ اخلاق از این بالاتر که سال ها پیش تا دیدیم فلسطینیا وضعیت خوبی ندارن، اومدیم همسایه شون شدیم تا بهشون کمک کنیم؟ باز دیدیم اوضاعشون خرابه، رفتیم توی کشورشون تا از نزدیک کمکشون کنیم. باز درست نشد وضع زندگی شون، مجبور شدیم از خودگذشتگی کنیم و شهر و دیار خودمون رو ول کنیم و دست به کار بشیم و خونه و زندگی اینا رو به زور ازشون بگیریم تا به وضعیتشون سروسامون بدیم. ما به این کارا می گیم کمک به هم نوع. دیگه نمی دونم شما جوونا به چی می گین اخلاق. چقدر وقیح شدن این نسل جدیدیا!...

زن میان سال، تبعه، ریلکس

معلومه که سربازای ما خیلی اخلاقی هستن. خودم شاهدیم. دیروز چندتا سربازمون می خواستن به خانوم فلسطینی رو دستگیر کنن، ولی برای اینکه دستشون بهش نخوره، بالوله تفنگ داشتن به سمت ماشین هدایتش می کردن. بعدکه دیدن مقابل هدایت داره مقاومت می کنه، مجبور شدن با اون ته تفنگشون، اسمش چیه... با قنذاق، راهش ببرن. چند وقت پیش هم چندتا بچه توی خیابون داشتن بازی می کردن، سربازای اخلاقی ما رفتن و بهشون گوشزد کردن که از اونجا برن، آخه الان بچه ها باید سر درس و مشقشون باشن. دیگه تقصیر ما نیست که مدرسه هاشون با خاک یکسان شدن، لابد خیریتی توش بوده. شاید هم خطای انسانی بوده. ولی قطعاً ارتش ما اخلاق دارن.



نشده ایم این شتاب جنون آمیز برای رسیدن به کدام پایگاه فرماندهی یا مأموریت حیاتی است. زیرا طبق ردیابی های ماهواره ای، بیشتر آن ها بعد از رسیدن به مقصد، ساعت ها در گوشه ای لم می دهند و کارهای بیهوده انجام می دهند. برای درک بهتر این نیروی نامرئی، من هم از محل بودجه تحقیقاتی یک کارت اعتباری اتوبوس تهیه کرده و در یک عملیات غافل گیرانه، دو پیرزن و یک کارمند خسته را با آرنج به عقب پرتاب کردم تا یک صندلی دوفره را به تصرف درآورم. واقعا جای نرمی بود، ولی از دیدن نگاه های مرگ بار اطرافیان، فهمیدم بقای من در خطر است و ترجیح دادم سریع خودم را به حالت بیهوشی بزنم و به شیشه تکیه دهم. به نظر می رسد این گونه پیش از سفر به فضا، ابتدا باید روش ورود و خروج مسالمت آمیز از یک جعبه چهارچرخ را یاد بگیرد. تماس، فرت.

فرسایش یا انسان های ماده ای که یک انسان کوچک را درون شکم خود حمل می کنند (در اینجا به آن ها «باردار» می گویند)، وارد کابین می شوند. در این لحظه، توانایی زیستی جدیدی در اشغال کنندگان صندلی فعال می شود. آن ها ناگهان سرهای خود را طوری در دستگاه های کوچک جیبی شان فرومی برند یا با چشمانی خمار به افق های نامعلوم خیابان زل می زنند که گویی ارتباط سیستم عصبی شان با جهان خارج به طور کامل قطع شده است. نکته گیج کننده دیگر این است که این موجودات با وجود اینکه می بینند درهای این کیسول متحرک در حال خرد کردن استخوان های مسافران جلویی است، باز هم از بیرون فریاد می زنند: «برین عقب تر، بازم جاهست!» و خود را با زاویه ۴۵ درجه لای درز درها جا می دهند. ما هنوز متوجه

معاون وزارت بهداشت:

خوشبختانه یک سوم ایرانیان ، سالمند خواهند شد

و دوسوم بقیه شان از من هم سالم ترند

صفحه ۶

طرح سه فوریتی خروج

از معاهده های

در آن پی تی

روی میز مجلس

مرکز نظارت

بر درمان وزارت بهداشت:

هنگام زیرمیزی

دادن به پزشکان

به آن هاشکلات و

گزارش هم بدهید

تا منداشان بایس نیفتد

نماینده مجلس:

امسال در تأمین گاز مشکل خواهیم داشت

مردم سعی کنند روغ بدون گاز بخورند

کسانی که از سال گذشته در صف وام ازدواج و فرزند آوری

بودند سعی کنند امسال وام خود را دریافت می کنند

وده دوازده سال بعد تو صف هستی بدلیل راهل ندهند

ترامپ:

تنگه هرمز کاملاً باز است

البته برای ماهی ها و بقیه موجودات زیر دریا که از آنجا رفت و آمد می کنند

سخنگوی وزارت خارجه چین:

امیدوارم ایران و آمریکا

دوباره سر میز ناهارخوری را

بلند تا با کمک هم از بذرایی

ببریم به آشپزخانه

مذاکره می کنیم

دادستانی:

بخشی از نوسانات اخیر

بازار ارز، تحت تاثیر اقدامات

عوامل میدانی است

بخش دیپلرس هم تحت تاثیر

عوامل چهارراهی



۱۱ مهر ۱۴۰۵ / شماره ۱۸۳

یادگ

آرشیابی

ترامپ همه جا گیر کن!

بدو تولد

جوانی

ریاست جمهوری



۱ عه؟ دکتر بیا گیر کردم! اینجا کانال سوخته؟

۲ خیر جانم، شما توی کانال زایمان گیر کردی!

۳ ای بابا، این ایستین هم با این پول دادنش!

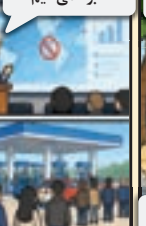


۷ من برم به دوری بزنم، راستی شما تا کی بازیگر؟

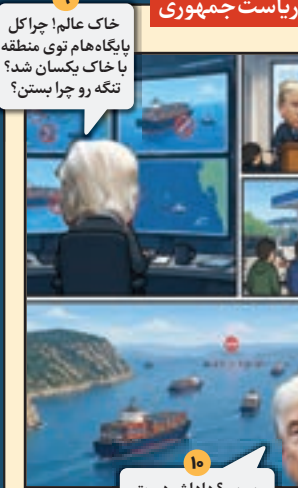


۶ بیا ببین این یکی چطوره؟

۸ ما چندروزه ایران رو ناپود می کنیم.



۱۱ ها؟ چی؟ من؟ چیزی، من به دست به آب برم، الان می آم.



۹ خاک عالم! چرا کل پایگاه هام توی منطقه با خاک یکسان شد؟ تنگه رو چرا بستن؟

۱۰ بی بی؟ داداش دورت برگردم، مگه نگفتی مشکل ایران رو حل می کنی؟

ناسوس

ژاپنی ها بدون نمک غذا را شور می کنند! ابداع قاشق برقی ۱۵۷ دلاری که با عبور جریان الکتریکی ضعیف از غذا، درک شوری غذاهای کم نمک را تا ۱.۵ برابر افزایش می دهد. (خبرآنلاین)



مهاجرانی

قابل توجه دوستانی که می گن با ۳۰۰ تومن مبلغ افزایش کالابریک، پفک هم نمی دن؛ اینجا شما با همین چندرغاز می تونی حداقل یک کیلو سدیم کلرید بخری. اون وقت طفلی ژاپنی باید با دلار ۲۵۶،۵ هزار تومنی الان (دقیقا همین الان) دست کم ۴۰ میلیون تومن بدن به قاشق بخرن که جای خالی نمک رو توی سفره هاشون پر کنه. چشتون رو بگیره!

امیرجلالی

وقتی سر نمک توی چوسان قدیم همدیگه رو پاره پاره می کردن، به همچین روزایی رو می دیدن. ولی توی ژاپن بخوای دختر شوهر بدی، یا باید تراستی ای چیزی باشی یا بلا نسبت جمع اختلاس کنی؛ فکر کن فقط پول به سرویس قاشق چنگال ۲۴ نفره ۱۴۴ پارچه می کنه به عبارتی ۶ میلیارد! از کجا بیاره اون چینگ چانگ چونگ کارگر؟ راستی مگه اینا با چاپستیک غذا نمی خوردن؟

وزیر نیرو

چیزی موند که این ژاپنیا توش جریان الکتریکی فرو نکرده باشن؟ از دستگاه انسان شوی بگیر تا توالت فرنگی خودشور (که صد سال بتونه صدای نعلیکی تمیز دربیاره)؛ به قابلمه مونده بود که اون رو هم انگولکش کردن. تازه من به ویدئو توی اینستا دیدم، مامانه اومد با همین قاشق برقی به بچه غذا بده، گفت «واکن هواپیما اومد، واکن...» اونم وانکرد، هواپیماش در برخورد با براق لب بچه اتصالی کرد و ۱۱ سپتامبر شد، لقمه پاچید به در و دیوار.

فرشته شاهان

«آه» تومان

روزهای من عجیب آغاز می شود. یک روز که از خواب پامی شوم، یک چیزی را ندارم، ولی روز بعدش آن را دوباره دارم و چیز دیگری ندارم! دیگر خسته شده بودم! باید این بازی کثیف را تمام می کردم! تصمیم گرفتم این بار خودم تصمیم بگیرم چه نداشته باشم! چیزی را نباید داشته باشم که بقیه هم نداشته باشند! در این صورت حسرتش را نمی خورم. بله، فهمیدم! خودش است: و جدان! این گونه راحت می توانم هر جا خواستم ماشینم را پارک کنم. هر کالایی دارم، به هر قیمتی خواستم، بفروشم. در صف ها جا بزنم. زیاده ها را هر ساعتی دوست داشتم، هرجا، زیر درخت یا جلوی خانه همسایه بگذارم یا حتی اصلاً طبقه بالا پرت کنم! بینم پرتابم چند امتیازی است! زیر هر تفاهم نامه و معاهده ای بزنم؛ چه برجام باشد، چه قول نامه موتورگازی! کسی را بی تحرک نگذارم که چاقی، ام الامراض است! ملت را برای یک وام ساده بدوانم، برای یک امضا و مجوز اداری بین طبقات اداره از پله ها بالا و پایین کنم و چون تحرک غیر از جسم برای روح هم خوب است، اجدادم را در قبر از سوگند های دروغ بی نصیب نگذارم تا بلرزند و بی تحرک



فارغ از اینکه جیلی در پایان دوره، باز هم رئیس تلویزیون می ماند یا نه، گمانه زنی ها از الان شروع شده است.

جومونگ: آقا ما به شکر خورديم عليه هان قيام كرديم. سر جدتون رئيس جديد اومد، يك بار ديگه، خدا شاهد يك بار ديگه ما رو پخش كنين. من حكومت رو دودستي به تسو تقديم مي كنم تا از شر شماها و اون بازپخشاي رواعابتون راحت شم.

مختار تقی: يعني رئيس صداوسيمما هم ممكنه يه روزي عوض بشه. ولي بازپخش ما از شبكه آي فيلم هرگز حداقل شبكه رو عوض كنين لامصبا!

ترامپ: لطفا اگه مي خواين رئيس صداوسيمماون رو عوض كنين. سريع تر اعلام كنين كه من هفته ديگه كسي رو ندارم بذارم توي فهرست تحريرم. دستم خاليه، همين رو بذارم. گفتين اسمش چي بود؟

مهران رجبي: خدا نكنه جيلي بره. من تازه داشتم با بچه هاي دروردی رفيق مي شدم. يه پست توي اخبار هواشناسي هم بهم پيشنهاده شده بود. اين رو در دوران جيلي مي رفتم، ديگه همه جا كاركرده بودم.

علی پروین: وقتي هنوز جيلي كوچكي پيش نبود، احسان حاج صفی، چپ تيم ملي بود. داره بازنشسته مي شه مي ره، احسان هنوز چپ تيم ملي.

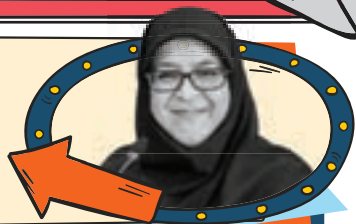
پزشكيان: من كه حقيقتش اصلا تلویزیون نمي بينم. چه فرقي مي كنه كي رئيس شه؟ ولي لطفا بازپخش برنامه سراسيز رو يه جوري بذارين كه بعد جلسات هيئت دولت هم بشه ديد.

نقی معمولی: وقتي من اومدم جام جم، سارا و نيكا توي قنداق بودن. الان خودشون ديگه دارن بچه دار مي شن. خدایي با اين سابقه توي صداوسيمما، رياست سازمان حقم نيست؟

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

خبرنگار: با ۲۰۰ هزار تومان افزایش مبلغ کالبرگ حتی پفک هم نمی شود خرید!
سخنگوی دولت: کالبرگ برای خرید کالاهای اساسی است و
قطعا برای خرید پفک داده نمی شود!



خبرنگار: با وام خرید مسکن و خانه، حتی یک پیراهن چهارخانه هم نمی شود خرید!

مدیرعامل بانک مسکن:

وام برای خرید یک خانه داده می شود و قطعا این وام برای خرید چهارخانه داده نمی شود!

خبرنگار: با وام ازدواج حتی نمی شود یک کولر گازی خرید!

وزیر ورزش و جوانان:

وام ازدواج برای گرم کردن کانون خانواده است و قطعا برای خرید کولر و سرد کردن کانون خانواده داده نمی شود!

خبرنگار: این ترکیب تیم ملی حتی از گل زدن به تیم های درجه دو و سه هم عاجز است!

قلعه نویی:

ترکیب تیم برای آبکش کردن سه تیم اول دنیا است و قطعا برای تیم های درجه دو و سه چیده نشده است!

خبرنگار: با هر هزار تومان ایران حتی یک افغانی هم نمی شود خرید!

رئیس بانک مرکزی:

ما وظیفه حفظ ارزش ریال را داریم که هنوزم ۱۰۰ ریال ۱ تومنه؛ قطعا وقت این مدیریت صرف ثبات ارز همسایگان نمی شود!

مشتری: داخل این شیرینی کشمشي ها، حتی یک کشمش نيست!

شیرینی فروش:

قطعا به همان دلیلی که داخل شیرینی ناپلئونی، ناپلئون بناپارت نيست!

در حاشیه تکذیب مکرر اخبار منتشرشده در هفته‌ای که گذشت

تکذیبیه

هرچه از هر جا به گوش ما رسید این روزها بعد فهمیدیم ما روز دگر تکذیب شد گفته شد سیل بزرگی آمده در رامسر آب در آنجا رسیده تا کمر، تکذیب شد گفته شد در رشت آری آمده سیلی بزرگ سیل ویرانگر ولی در رامسر تکذیب شد گفته شد مسئولان رفته قطر، تکذیب شد بعد گفتند آمد ایشان از سفر، تکذیب شد بعد از آن گفتند اصلا برنگشت او از سفر مانده آنجا یک دو روزی بیشتر، تکذیب شد گفته شد برگشت بیژن، غرب تهران ساکن است دیدنش رفته منیره بی خبر، تکذیب شد! در خبر آمد فلان خواننده دیشب سکنه کرد صبح خواندم سالم است از هر نظر، تکذیب شد یک خبر آمد اینستا رفع فیلتر شد، بله غصه‌ای دیگر ندارد کاربر، تکذیب شد مدعی شد سائیتی بنزین شده هشتاد چوخ! ملتی را کرد یک ساعت پکر، تکذیب شد یک نفر از قاطر و قصابی و از اسب گفت! گفت دیده در فلان جا دست خر! تکذیب شد یک نفر هم گفت از خودرو که وارد می شود بعد از آن حتی نشد وارد سپر! تکذیب شد یک رسانه منتشر کرد این خبر را صبح زود «شد تفاهم راحت و بی دردسر» تکذیب شد تیتیر زد یک روزنامه که «نتانی» شد سقط حیف شد اما نمرد آن بی پدر! تکذیب شد مانده‌ام من مات، پس حرف که را باور کنم؟ چون شنیدم هرچه را از هر نفر، تکذیب شد پس پلخمون را بخوانم بعد از این تنها که جز حرف او من هرچه خواندم سربه سر تکذیب شد

راهکارهای خانه‌داری
زندگیمان در خانه

از قدیم گفتن گریه‌ی که با دندان باز می‌شه، چرا عاقل کند چاهی که اول خودش دوم کسی؟ ... نمی‌دونم، بگذریم! شنیدیم که در یک جای خیلی دوری به اسم «ناگویا» پرونده‌های نزاع‌های خانوادگی و فامیلی هست که گاها باعث قتل هم می‌شه! بریم ببینیم راهکارهای مقابله با هاش چیه:

برای مصالحه از افراد بی طرف کمک بگیریم



۱ حالا شاید هم واقعا حق با اون باشه، ها؟

برای طرف مقابل هم حق قائل بشیم



مهارت‌های حل منازعه را به فرزندان بیاموزیم



در موارد بحرانی از پلیس و مراجع قضایی کمک بگیریم



۱ گروگان‌گیری رو شما گزارش کردین؟ گروگان کجاست؟ گروگان‌گیر مسلحه؟

در منازعات بی تفاوت نباشین



۱ به صورت زنده دعوی جمعی از افراد خانواده رو می‌بینی. تا دقایقی دیگه با جدیدترین آمار تلفات و جراحات وارده در خدمت شما هستیم.

همیشه پیش از شروع منازعه، به عاقبتش فکر کنین



۱ مگه به عاقبتش فکر نکردین؟

شوخی



الهی!
ما را یاری ده تا اقلامی را که با ۳۰۰ هزار تومان به جز یکم می‌توان خرید، شناسایی کنیم.

پلخمون

ساحب امتیاز: شهرام شیرزادی
مدیر مسئول و سردبیر: سیدمحمود موسوی مهر
مدیر ضابطه: ارزنگ حاتمی
مدیر پلخمون: مجتبی نعمی‌راد
مدیر هنری: سید هاشم دلیق
گرافیک و صفحه آرایی: ملک جمعی
ویراستاری: علیرضا میرزاد

پیمک: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahrarnews.ir

شماره ۱۰۰ روزنامه شهر آرا